



سرشناسه : فیض اللهی، حسین، ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور : اشعار کاشف / نویسنده حسین فیض اللهی.

. مشخصات نشر : تهران: نور هدایت، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری : ۱۳۶ ص.

شابک : ۵-۵۶-۷۴۶۷-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع : Persian poetry -- 20th century

PIR رده بندی کنگره : ۸۳۵۶

۱ فا ۸ / رده بندی دیویی : ۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۷۴۰۹۲



اشعار کاشف

سروده: حسین فضل اللهی

ناشر: انتشارات نور هدایت

چاپ: چارگل

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۵-۵۶-۷۴۶۷-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: خیابان کریم خان زند، خیابان خرمند شمالی، کوچه اعرابی ۲، پلاک ۴

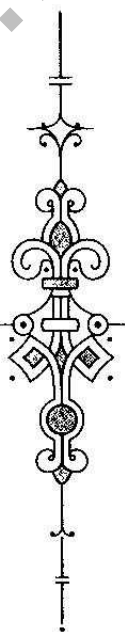
تلفن: ۰۹۱۹۴۵۴۰۸۲۹، ۸۸۸۱۳۲۰۷





دیباچه و فهرست الفبایی اشعار

- دیباچه‌ی شاعر..... ۶
۱. گریه‌های مسجدم در کوی دانشگاه را..... ۱۸
۲. ای غلام پرده دارت آفتاب..... ۱۹
۳. سوی شرایخانه رفتم خمار دیشب..... ۲۱
۴. دلبر خاطره‌هایم چو صبا آمد و رفت..... ۲۳
۵. کنون که کار جهانی به فتنه و کین است..... ۲۴
۶. لب شیرین و کامت دلپذیر است..... ۲۶
۷. بتا کشتی هزاران دوستدارت..... ۲۸
۸. چشم من صفا چشم مست..... ۲۹
۹. گفتم لب تو خنده زیب است..... ۳۰
۱۰. درستان وقت گل و موسم باغ آمده است..... ۳۲
۱۱. سیاق پیش مست بی بدیل است..... ۳۳
۱۲. لب شیرین را کامت یاسر خوش بوست..... ۳۵
۱۳. بشنو شعرم که حکمت بیست..... ۳۷
۱۴. جان ما دانی که جز در غایت غیر نیست..... ۴۰
۱۵. آن پری چهره که اخلاص من کافی است..... ۴۲
۱۶. جانا حدیث عشق و محبت فسانه نیست..... ۴۴
۱۷. رسیده فصل گل و موسم بهاران است..... ۴۶
۱۸. دلم از دست تو تا روز قیامت خون است..... ۴۸
۱۹. امید آنکه خاک گردم خاک کوی دوست..... ۵۰
۲۰. شراب و ساقی وافی دو شاهد دلیند..... ۵۱
۲۱. دل از طلبت نیاز دارد..... ۵۳
۲۲. بهار بود و چمن زار شاد و خرم بود..... ۵۵
۲۳. کام عالم مگر از ساغر سر مستان شد..... ۵۷
۲۴. ای شکر لعل تو ما را بسند..... ۵۹
۲۵. اگر به معرفت می‌شوی تو نائل چند..... ۶۰
۲۶. سحر باغ ضمیرم در میان بود..... ۶۲
۲۷. هرکس مرید حلقه‌ی مستان نمی‌شود..... ۶۳
۲۸. فقیری عاشق روی تو باشد..... ۶۵
۲۹. تا دلبران نازک مستانه در خرامند..... ۶۶
۳۰. صبحدم مرغی بحالم ناله در تکبیر کرد..... ۶۸



۳۱. من اگر کافر ایمانم اگر عبد شکور..... ۷۰
۳۲. پندی شنو و حکم ازل را مکن ستیز..... ۷۲
۳۳. کنون رخس به گفت آمده بیوی و بیوس..... ۷۳
۳۴. عاشق وشی شبی گفت بایار نازینش..... ۷۵
۳۵. من از آن مه لقاء خواهم که بویم نکهت کامش..... ۷۷
۳۶. ساقیا چون تویی مراد و محک..... ۷۹
۳۷. لب لعل تو شیرین است و چشمت بحر بی ساحل..... ۸۱
۳۸. جامم نمی رسد دست ساقی کرامتی کن..... ۸۳
۳۹. باده بیار و دل ما شاد کن..... ۸۵
۴۰. خوش آن دمی که رخ از جام می کنم گلگون..... ۸۷
۴۱. عاشق شده ام حالی از روی و لب گلگون..... ۸۹
۴۲. شود ساطع رب را به طرف گل چینم..... ۹۱
۴۳. بگذار به جانب کویت گذر کنیم..... ۹۳
۴۴. ساقیا من شرابی می خواهم..... ۹۵
۴۵. گرچه دلخستگان در پیش..... ۹۷
۴۶. من هر آنکه که رخ بخت تور باد کن..... ۹۸
۴۷. به خلق دوش رساندم که باده مر وشم..... ۱۰۰
۴۸. عاشق روی بتی ناز و پریوش شده ام..... ۱۰۲
۴۹. شدم دیوانه ات الحمد لله..... ۱۰۳
۵۰. عمری به فتح و فهم افکار عارفانه..... ۱۰۴
۵۱. افتاده از وفایت در سینه شور و شادی..... ۱۰۶
۵۲. شراب و شاهد و شعری به شوکت شاهی..... ۱۰۷
۵۳. در غم هجر رخ دوست نگریم تا کی..... ۱۰۹
۵۴. ای در مقام قربت از مهر و مه سجودی..... ۱۱۱
۵۵. تحصیل شراب ای دل مشکل شده است آری..... ۱۱۳
۵۶. دوش از وفا چه خوش گفت در گوش دل سروشی..... ۱۱۵
۵۷. کوی حبیب من بیر باد صبا رساله ای..... ۱۱۷
۵۸. ای پرتو جمالت صد حوری بهشتی..... ۱۱۹
۵۹. تفسیر و حفظ قرآن در کسب نیکنامی..... ۱۲۱
۶۰. بیاور ساقیا جام مدامی..... ۱۲۳
۶۱. حظ جهان است باده پرستی..... ۱۲۵
۶۲. وقت است که باز آبی و ما را برهانی..... ۱۲۷
۶۳. تری فی مُقلتی شوق وصالی (قصیده)..... ۱۲۹

